



پشیمانی از گذشته یا به عبارتی از یک سری از کارهایی که در گذشته انجام داده ایم چیزی هست که گریبانگیر بسیاری از کارآفرینان بزرگ می باشد. در این مقاله در مورد ۳ کاری که «دن لاک» با بازگشت به گذشته انجام می داد، آشنا خواهیم شد.



۳ کاری که با بازگشت به گذشته، متفاوت انجام می دادم

اگر آرزو می کنید که کاش می توانستید پشیمانی از گذشته را از بین ببرید و برای تغییر یک سری از چیزها به گذشته برگردید، باید به شما بگویم که تنها نیستید. مهم نیست ۲۰، ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ سالتان باشد. در هر حال شما یک سری موفقیت ها، شکست ها و لحظاتی را دارید که آرزو می کنید کاش می توانستید تغییرشان دهید.

من هم مطمئناً کلی شکست در زندگی ام داشته ام. همین شکست ها و اشتباهات درس هایی به من داده اند که باعث شده است امروز در این نقطه قرار گرفته باشم. باز هم با این حال یک سری پیشیمانی هایی دارم. امروز می خواهم ۳ پیشیمانی ای که در گذشته برایم به وجود آمد را با شما به اشتراک بگذارم. در واقع منظورم از پیشیمانی از گذشته، کارهایی هستند که اگر می توانستم به گذشته برگردم، متفاوت انجام شان می دادم.

پشیمانی اول: کاش زودتر یک مربی برای خودم پیدا می کردم

اولین چیزی که در زندگی ام تغییر می دادم چیزی است که اگر زودتر انجامش می دادم، تأثیر شگفت انگیزی برایم ایجاد می کرد. زودتر برای خودم یک مربی پیدا می کردم. من قبل از اینکه طعم اولین موفقیت را بچشم، ۱۳ بار کسب و کارهای خودم را راه اندازی کردم و شکست خوردم.

این موفقیت برای من گران تمام شد. تمام پولم را از دست دادم. همینطور پس اندازهای مادرم را و در نهایت هم ۱۵۰ هزار دلار بدهی بالا آورده بودم. اگر زودتر یک مربی برای خودم انتخاب کرده بودم، مطمئناً این تعداد شکست در کسب و کار نداشتم و این همه پول هم از دست نمی دادم. من جوان و بی تجربه بودم.

من باور داشتم که همه چیز را خودم باید به تنهایی از آنها سر در بیاورم. یک کارآفرین جوان بودن به من غرور کاذبی می داد طوری که حتی وقتی با اولین مربی ام «آلن» آشنا شدم، هنوز این باور را داشتم که خودم همه چیز را می دانم.

اما اگر زودتر یک مربی انتخاب می کردم و به توصیه هایش عمل می کردم، شکست های کمتری را تجربه می کردم. ولی در عوض می خواستم تمام کارها را به روش خودم انجام دهم چون فکر می کردم که از همه چیز سر در می آورم. شاید اگر زودتر به توصیه های مربی گوش می کردم، باعث می شد که پیشیمانی دوم در زندگی ام رخ ندهد.

پشیمانی دوم: کاش بزرگتر فکر می کردم

نگرش
نیکی

negarshenik.ir

**داشتن سطح تفکر متفاوت،
دیدگاه من را نسبت
به چیزها و همچنین نحوه ی
عملکرد من را تغییر می داد.**

وقتی که اولین بار وارد کسب و کاری شدم، اولین هدف من این بود که نیازهای مادرم را فراهم کنم. اگر بخواهم برایتان مثالی بزنم اینگونه بودم که نمی توانستم جنگل را ببینم چون آنقدر در حال دویدن بودم و سرم شلوغ بود که نمی توانستم درختانی که جلوی من هستند را ببینم و فقط روی رسیدن به نیازهای فوری و ضروری خودم تمرکز کرده بودم.

فکر می کردم که اگر یک زندگی آسوده داشته باشم، خوشحال خواهم شد اما وقتی به این هدف رسیدم، بیشتر می خواستم. هدف بعدی من بدست آوردن پول زیاد و کافی برای رسیدن به آزادی مالی بود طوری که هر روز بتوانم کنار

ساحل استراحت کنم و از زندگی لذت ببرم و نگران پول نباشم. به طور شگفت انگیزی وقتی به این سبک زندگی هم دست پیدا کردم، خیلی سریع برایم این شرایط خسته کننده شد.

چیزی که متوجه شدم این بود که نیاز داشتم اهداف بزرگتری را برای خود تعیین کنم. نیاز داشتم بزرگتر فکر کنم، اما این به معنی نیست که من حریص بودم بلکه فقط به این معنی است که نیاز داشتم تا تفکرم را تنظیم کنم. یعنی مثلاً اگر می خواستم ۱۰۰ هزار دلار در سال در بیاورم در برابر اینکه بخواهم ۱ میلیون دلار در سال بیاورم، فقط به این نیاز داشتم که سطح تفکر متفاوتی داشته باشم. داشتن سطح تفکر متفاوت، دیدگاه من را نسبت به چیزها و همچنین نحوه ی عملکرد من را تغییر می داد.

می خواستم بیشتر از یک رؤیاپرداز باشم. مجبور بودم یک فرد عملگرا باشم. برای رسیدن به این نتیجه، یاد گرفتم که بعد از اینکه هدفم را مشخص کردم، آن را ده برابر بزرگتر کنم. مجبور بودم یک صفر کنارش بگذارم. بنابراین اینکه فقط می خواستم کمی سخت تر تلاش کنم، من را به آن نقطه نمی رساند. باید روشم را تغییر می دادم و اعتماد به نفس بیشتری بدست می آوردم.

مربی ام من را به چالش کشید و گفت که اهداف درآمدی بالاتری را برای خودم مشخص کنم یعنی وقتی تبدیل به یک فرد میلیونر شدم، بتوانم به مرحله بعد

بروم و به یک فرد مولتی میلیونر تبدیل شوم و بعد از آن یک فرد بیلینور. آرزو می کردم کاش این اهداف بزرگتر را خیلی زودتر در زندگی ام برای خودم تعیین می کردم. اگر این کار را می کردم، آنوقت موفقیت را زودتر به دست می آوردم و باعث می شد بتوانم وقت بیشتری را با خانواده ام بگذرانم، سومین کاری که متفاوت انجام می دادم، همین است.

پشیمانی سوم: کاش وقت بیشتری را با خانواده ام می گذراندم



نگرش
نیک

negareshenik.ir

من الان ۲ تا کار می توانم برای تغییر زندگی
شغلی و شخصی خودم انجام دهم
تا کمی گذشته را جبران کرده باشم:

(۱) ادامه دادن یادگیری از مربی ها

(۲) ادامه دادن به تفکر در سطح بزرگتر

خیلی از کارآفرینان موفق بزرگ می گویند یکی از بزرگترین پشیمانی هایشان این است که وقت کافی با خانواده شان نگذرانند یا به خاطر شلوغ بودن سرشان نتوانستند رابطه خوبی با خانواده شان برقرار کنند. من آرزو داشتم

کاش می توانستم وقت بیشتری را با پدرم بگذرانم. من وقت زیادی را با او نگذراندم، خصوصاً وقتی که به کانادا آمدم و او در هنگ کنگ ماند و الان برای تغییر این موضوع خیلی دیر شده است. من حتی دیگر نمی توانم یک شام یا یک مکالمه با او داشته باشم!

دیگر فرصتی باقی نمانده تا به او نشان دهم که چقدر از او سپاسگزار هستم و دوستش دارم. این توصیه من به تو است. آنقدر خودت را مشغول کار نکن که وقت نداشته باشی که با خانواده ات بگذرانی. بله، در ابتدای کار برای دوره ای کوتاه نیاز داری که کمی فداکاری کنی و خوردن شام و ناهار با خانواده و بودن در یک سری از مهمانی ها همراه آنها را از دست بدهی چون که سرت گرم کسب و کارت است.

اما به محض اینکه به کمی موفقیت رسیدی، باید زمان بیشتری را با افرادی که دوستشان دارید بگذرانید، چون وقتی دیر بشود، دیگر شده است، چون حتی اگر یک فرد بیلیونر هم باشید، هیچ چک زمانی وجود ندارد که بنویسید تا گذشته را بخرید!

۵ حسرت زندگی

حالا که با ۳ حسرت و پشیمانی زندگی من آشنا شدید، می خواهم یک گام بیشتر بردارم و ۵ حسرت زندگی که همین الان می توانید جلوییش را بگیرید را به شما بگویم. خوب به این ویدیو دقت کنید و ادامه مقاله را نیز بخوانید:

دانلود ویدیو

۲ اقدام عملی برای جبران گذشته

بنابراین من الان ۲ تا کار می توانم برای تغییر زندگی شغلی و شخصی خودم انجام دهم تا کمی گذشته را جبران کرده باشم.

- ادامه دادن یادگیری از مربی ها
- ادامه دادن به تفکر در سطح بزرگتر

هنوز برای انجام این دو کار فرصت دارم. اما برای بودن با پدرم دیگر خیلی دیر شده است.

در زندگی شما هم همیشه چیزهایی هستند که آرزو می کردید می توانستید آنها را متفاوت انجام دهید. پشیمانی در زندگی برای همه ممکن است پیش بیاید. فرقی نمی کند چه سنی دارید. همیشه یادتان باشد که اشتباهات تان را یادآوری کنید و به آنها به چشم درس های باارزش نگاه کنید. در این حالت می بینید که اعتماد به نفس تان نیز افزایش پیدا می کند.

شما اگر به عقب بر می گشتید، چه کارهایی را متفاوت انجام می دادید؟ این پایین بنویسید.

این دوره از دن لاک را به شما پیشنهاد می کنم ببینید:

